



"نه به جولانی، نه به اسد، ما می خواهیم کشورمان را بسازیم!"

تحولات روزهای اخیر در سوریه و پایان کار بیش از 5 دهه حکومت دیکتاتوری خاندان جنایتکار اسد بر این کشور و جایگزینی دار و دسته تروریست‌های اسلامی "هیئت تحریرالشام" با رژیم اسد، یکبار دیگر به وضوح چهره دشمنان اصلی کارگران و خلقهای تحت ستم منطقه یعنی امپریالیست‌ها و نقش مخرب نوکران رنگارنگ آنان در این کشور جنگ زده و محنت زده را به نمایش گذارد.

تنها چند روز پس از زد و بندهای پشت پرده امپریالیست‌های غرب و شرق و چراغ سبز آمریکا به ترکیه برای رها کردن قلاده دار و دسته‌های سیا ساخته اسلامی یعنی نوادگان القاعده و داعش، هیئت تحریرالشام به رهبری ابومحمدالجولانی، گروهی که رسماً از آن به عنوان "نسخه دوم جبهه النصره" نام برده می شود، با حمایت آشکار نظامی و لجستیکی ارتش ترکیه، بدون هیچ درگیری چشمگیر و تعیین کننده‌ای با ارتش ضدخلقی سوریه، به شیوه‌ای برق‌آسا شهرها و مناطق مختلف را یکی پس از دیگری تسخیر و سرانجام دیروز دمشق را هم تصرف کردند. با سقوط دیکتاتوری اسد و خاندان ضد خلقی‌اش بخش‌هایی از توده‌های سوری به جان‌آمده از مظالم و سرکوب‌ها و جنایات رژیم مزدور اسد و پدر جنایت پیشه‌اش خوشحالی برحق خود را با جشن و سرور در خیابان‌ها نشان دادند. آنها مجسمه های بشار اسد و پدرش را یکی پس از دیگری سرنگون کردند و فرار خائفانه دیکتاتور سوریه که از ترس توده ها خود را به دامان روسیه رساند مایه خوشحالی برحق آنان شد.

اما در ورای آن شادی‌های برحق، هر ناظر بی طرف و حقیقت جو می‌فهمد که ارتش سوریه به رغم تمام ضعف‌هایش اگر توسط کسانی که کنترل آن را در دست داشتند خنثی و از حرکت باز داشته نشده بود، همانطور که در سال‌های اخیر نشان داده بود مسلماً از پس دار و دسته‌های اسلامی برمی‌آمد و در نتیجه کسب قدرت سیاسی توسط تحریر الشام به این شیوه امکان ناپذیر بود. خود اسد جنایتکار، قبل از سقوط حکومت‌اش، در آخرین تماس‌هایش با همپالگه‌های خود در جمهوری اسلامی گفته بود که از "رفتار ارتش سوریه سر در نمی‌آورد!"

واقعیت این است که سوریه از سالها پیش و به ویژه پس از جنبش انقلابی مردم این کشور در سال 2011 که در جریان آن توده ها علیه مظالم رژیم اسد و برای آزادی به پا خاسته و توسط نیروهای ارتجاعی و از جمله جمهوری اسلامی و پشتیبانی مستقیم روسیه از حکومت اسد سرکوب شدند، در سایه دخالت‌های مستقیم امپریالیسم آمریکا و روسیه به یکی از گره‌گاه‌های تضادهای امپریالیستی در منطقه بدل گشته است. از یک طرف برای روسیه حضور در بندر طرطوس در سوریه به منظور دستیابی به دریای مدیترانه امری حیاتی است و از طرف دیگر آمریکا که به غارت نفت و دیگر منابع ملی مردم سوریه مشغول است وجود روسیه را در این کشور برنمی‌تابد. حاصل این تضاد منافع بین دو نیروی امپریالیستی، سوریه را سال‌های سال به صحنه جنگ‌های خونین که قربانیان اصلی‌اش توده‌های تحت ستم سوریه هستند تبدیل نمود.

ضرورت حضور نظامی مستقیم ارتش آمریکا در منطقه در چارچوب سیاست‌های استراتژیک امپریالیسم آمریکا نیاز به ایجاد و تقویت دار و دسته‌های اسلامی مزدور از القاعده گرفته تا جبهه النصره و داعش در این منطقه را ایجاب کرد و این نیروهای اکثراً سیا و پنتاگون ساخته و چاق و چله شده با پول‌های قطر و عربستان و در پرتو حمایت‌های بی‌حد و مرز و آشکار ترکیه - قدرتهایی که همگی از خادمان شناخته شده امپریالیسم آمریکا هستند- به سرعت بزرگ شده و حیات و هستی مردم سوریه و عراق را برای چند سال صحنه تاخت و تاز خود قرار دادند.

دولت روسیه نیز که چه با برخورداری از امکان حفظ ناوگان جنگی و حضور مستقیم نظامی در سوریه (در بندر طرطوس) و چه با کسب سودهای سرشار ناشی از قراردادهای تسلیحاتی و نظامی با حکومت سوریه به غارت و تغذیه از خون مردم سوریه مشغول بود، برای حفظ این منافع به یک پای جنگ با آمریکا و نیروهای نیابتی‌اش در دفاع از تداوم حکومت اسد تبدیل گردید. با توجه به دشمنی ظاهری بین جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا مسلماً جمهوری اسلامی در صحنه جنگ در سوریه نمی‌توانست آشکارا جانب ارباب خود آمریکا را بگیرد. به همین خاطر، این رژیم در پوشش دفاع

از حکومت اسد از یک طرف به سرکوب مردم این کشور پرداخت و از طرف دیگر با استفاده از شرایط جنگی در سوریه و حضور در لبنان به تقویت حزب الله به مثابه یک نیروی بنیادگرای اسلامی در خدمت به پیشبرد سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه پرداخت. دخالت جمهوری اسلامی در سوریه در عین حال توجیهی نیز برای حضور نیروهای طرفدار آمریکا و دامن زدن به آتش جنگ در آن کشور بود. در طول سال‌ها جنگ جنایتکارانه و خونین بین صحنه گردانندگان اصلی با حضور نیروهای نیابتی و ارتجاعی وابسته به خود میلیون‌ها تن از مردم محروم سوریه، کشته و مجروح و معلول و یا آواره و خانه خراب گشتند و زیر فشار سیاست‌های اقتصادی تحمیل شده بر دولت اسد از سوی آمریکا و نهادهای اقتصادی تحت کنترل آن از یک سو و تحریم‌های وحشتناک و تبعات یک جنگ خونین از سوی دیگر، کمر خم کردند تا جایی که حدود 90 درصد از مردم این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کردند. در سال 2017 اگر چه برای کنترل اوضاع، توافقاتی بین آمریکا و روسیه صورت گرفت و منجر به محدود شدن دامنه جنگ در سوریه شد ولی بهبودی در زندگی مردم حاصل نشد.

اما وضعیت جنگی در سوریه نمی‌توانست برای همیشه ادامه یابد. بنابراین، زمانی که دشمنان مردم سوریه و به طور برجسته امپریالیسم آمریکا حفظ حکومت اسد و شرایط جاری در سوریه را به نفع خود ندیدند، با مذاکراتی در پشت پرده به توافقاتی دست یافتند. سرانجام برآیند این تضادها و زد و بندها از بالا نه تنها تکلیف حکومت بشار اسد را معلوم و سقوط آن را باعث شد بلکه آغازگر حرکت به سوی یک آرایش سیاسی جدید در سوریه گشت که قدرت‌هایی بسیار برتر از رژیم سرسپرده اسد و هیئت تحریرالشام یعنی امپریالیست‌ها آن را علیه توده‌های محروم سوری طراحی و اجرا کردند.

بر اساس توافقات صورت گرفته توسط امپریالیست‌های آمریکا و روسیه، ارتش سوریه به عنوان پایگاه اصلی قدرت، حمایت خود را از حکومت بشار اسد قطع و متوجه مزدوران اسلامی جدید امپریالیسم آمریکا کرد تا این امپریالیسم با کمک آنها سلطه سیاسی - نظامی خود بر سوریه را بسط داده و حضور مستقیم و مواضع خویش در این نقطه استراتژیک خاور میانه یعنی سرزمین‌های سوریه را مستحکم تر سازند. با خارج شدن ارتش از دست بشار اسد، وی در آخرین دیدار خود با مقامات دولت‌اش به آنها تاکید کرد که "روند انتقال قدرت" به دار و دسته جدید یعنی "تحریر الشام" و محمد الجولانی باید به طور "مسالمت آمیز" صورت گیرد. به این ترتیب او این آخرین مأموریت‌اش در تحویل حتی‌الامکان سالم ماشین سرکوب و غارت و بوروکراسی طبقه حاکم به نیروهای جدید را نیز با صداقت برای اربابان امپریالیست‌اش به انجام رسانید تا مبادا از جانب توده‌های به خشم آمده خطری متوجه اساس نظام سرمایه‌داران حاکم بر سوریه گردد.

این واقعیت که دولت روسیه به عنوان یکی از حامیان اسد و عامل حفظ او جدا از چند واکنش جزئی در جنگ، نهایتاً به روند کنونی و به سقوط او از قدرت تن داد نیز واقعیت دیگری مبنی بر توافقات و زد و بندهای بازیگران اصلی صحنه سیاست سوریه یعنی امپریالیست‌های غرب و شرق حول چگونگی حفظ موقعیت و منافع استثمارگرانه و غارتگرانه خویش در آرایش جدید سیاسی در سوریه می‌باشد، زد و بندهایی که گذشت زمان هر چه بیشتر ابعاد و جزئیات آن را روشن خواهد کرد. اما در حال حاضر نیز حفظ پایگاه‌های نظامی روسیه در بندر طرطوس و بر افزایش پرمخالفین بشار اسد در سفارت سوریه در مسکو نشانه بارزی بر سازش پشت پرده و برقراری توازن قوا بین دو قدرت امپریالیستی یعنی آمریکا و روسیه می‌باشد.

در این میان، وضعیتی که با چراغ سبز و کارگردانی امپریالیسم آمریکا در سوریه ایجاد شده، رسوائی تبعیت رژیم مزدور جمهوری اسلامی از خواست امپریالیسم آمریکا نیز آشکارتر شد. همگان دیدند که به رغم تمام هارت و پورت‌های تبلیغاتی این رژیم و ولی فقیه‌اش در باب ضرورت حفظ "محور مقاومت" و رژیم اسد در سوریه و سیاست باصطلاح "حفظ حرم" از طریق نبرد با "تروریست‌ها" در سوریه و به رغم بر باد دادن ده‌ها میلیارد دلار از سرمایه‌های متعلق به مردم محروم ما در جریان ماجراجویی‌های حکومت در این کشور، جمهوری اسلامی به همراه تمام نیروهای مزدور نیابتی‌اش در سوریه و عراق و لبنان کاملاً آگاهانه و در خط مورد دلخواه آمریکا نظاره‌گر سقوط اسد (که مدعی بود قوی‌ترین متحدش در منطقه می‌باشد) گشت و مو به مو به پیشرفت پروسه کنونی مورد دلخواه امپریالیسم آمریکا و صهیونیست‌ها در سوریه تن داد.

در رابطه با آمریکا، آنچه از هم اکنون روشن شده این است که مقامات آن کشور اعلام کرده‌اند که حضور مستقیم نیروهای‌شان در سوریه را حفظ خواهند کرد. در همین چارچوب، مقامات آمریکائی به

طور رسمی و گام به گام در حال تطهیر و تایید موجودیت دار و دسته اسلامی تحریرالشام و رهبری آن هستند، تطهیر و تایید همان‌هایی که تا همین امروز در لیست تروریستی خود قرار داشته‌اند. بر این اساس جای تعجب نیست که یکی از بزرگترین تریبون‌های تبلیغاتی در آمریکا در اختیار رهبر تروریست هیئت تحریر الشام یعنی محمد الجولانی گذاشته می‌شود و سی ان ان (CNN) با وی مصاحبه می‌کند. در حالی که پیش از این، وی به عنوان یک "تروریست" بالفطره که دولت آمریکا ظاهراً برای سرش میلیون‌ها دلار جایزه گذارده است مطرح بود. این برخورد درست یادآور همان برخوردی است که آمریکا در روند به قدرت رساندن طالبان تروریست و رهبران آن در افغانستان کرد. اما باید دانست که علیرغم همه قدرت‌نمایی‌های امپریالیست‌ها در سوریه و کل خاورمیانه، تاریخ نقش توده‌ها و مبارزه طبقاتی بین ستم‌دیدگان و ستم‌گران را به عنوان عامل اصلی در پیشرفت جوامع ثبت و مهر تأیید بر آن زده است. از این رو باید بر اهمیت صدائی که امروز از توده‌های مردم سوریه شنیده می‌شود تأکید نمود. هنوز یک روز بیشتر از سرنگونی رژیم جنایتکار بشار اسد نگذشته که توده‌های تحت ستم سوری در تجمعات و شادی‌های برحق‌شان پس از سقوط دیکتاتور به زبان عربی شعار رسای "نه به جولانی، نه به اسد، ما می‌خواهیم کشورمان را بسازیم!" سر داده و در ضدیت با تبلیغات دشمنان، ماهیت سوریه جدید مورد دلخواه امپریالیست‌ها را در قالب این شعار منعکس می‌کنند.

**نابود باد امپریالیسم و دار و دسته های مرتجع اسلامی در سوریه!
زنده باد مبارزات مردم سوریه علیه سلطه امپریالیست‌ها و نوکران رنگارنگ‌شان
برای کسب رفاه و آزادی!**

**چریک‌های فدایی خلق ایران
۱۹ آذر ۱۴۰۳ برابر با ۹ دسامبر ۲۰۲۴**